
چشم انتظارِ در خاکِ رفتگان

میگل آنخل آستوریاس

مترجم
سروش حبیبی



نشر ماه

تهران

۱۳۹۸

Miguel Angel Asturias
The Eyes of the Interred

Asturias, Miguel Angel	آستوریاس، میگل آنخل، ۱۸۹۹-۱۹۷۴ م.	سرشناسه:
چشم انتظار در خاک رفته‌گان؛ میگل آنخل آستوریاس؛ مترجم سروس حبیبی.	تهران، نشر ماهی، ۱۳۹۲.	عنوان و پدیدآور:
۷۶۸ ص.		مشخصات نشر:
ISBN 978-964-209-164-5		مشخصات ظاهری:
فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.		شابک:
عنوان اصلی:		یادداشت:
داستان‌های اسپانیایی - قرن ۲۰ م.		یادداشت:
حبیبی، سروس، ۱۳۱۲ - مترجم.		موضوع:
PQ۷۴۹۹/۱۵ ج ۵	۱۳۹۲	شناسه‌ی افزوده:
۸۶۳/۶۴		رده‌بندی کنگره:
۳۲۱۳۰۵۵		رده‌بندی دیویی:
		شماره‌ی کتابخانه‌ی ملی:

۱۲۲۹۲۱۸

۹۸,۹,۲۵

چاک رفتگان

نویسنده	میگل آنخل استوریاس
مترجم	سروش حبیبی
چاپ اول	۱۳۹۸
تیراژ	۱۵۰ نسخه
مدیر هنری	حسین سجادی
ناظر چاپ	مصطفی حسینی
حروف نگار	سپیده
لیتوگرافی	آرمانسا
چاپ جلد	صنوبر
چاپ متن	آرمانسا
صحافی	رئوف

شابک ۹۷۸-۹۶۴-۲۰۹-۱۶۴-۵
همه حقوق برای ناشر محفوظ است.



تهران، خیابان انقلاب، روبه روی سینما سپیده، شماره ۱۱۷۶، واحد ۴
تلفن و دورنگار: ۶۶۹۵ ۱۸۸۰
www.nashremahi.com

مقدمه‌ی مترجم

این ترجمه را به دوست عزیزم
شهرام قنبری تقدیم می‌کنم.

میگل آنخل آستوریاس، داستان‌نویس و شاعر گواتمالایی، در نوزدهم اکتبر ۱۸۹۹ در سیوداد-گواتمالا^۱ به دنیا آمد و در نهم ژوئن ۱۹۷۴ در مادرید از دنیا رفت. او از خاندان‌های آزدانیش و آزادی‌پو (پدری حقوق‌دان و مادری معلم) بود که با حکومت خردگانه منازیل استرادا کابرا^۲ مبارزه می‌کرد. خانواده‌ی او به همین سبب در ملک خردگانه پناه جسته بود. میگل آنخل دوران کودکی‌اش را در روستا و میان بومیان می‌گذراند. (سرخپوست) گذراند. پس از پایان تحصیلات متوسطه، به دانشکده‌ی حقوق و اقتصاد و بعد از نوشتن رساله‌ای در خصوص مسائل اجتماعی هندی‌شمردگان (۱۹۳۳) رکیل شد. در همان سال به لندن سفر کرد و در کتابخانه موزه‌ی بریتانیا آثاری در باب تمدن مایا کشف کرد. بعد راهی پاریس شد و تحت سرپرستی پروفیسور ژرژ رنو^۳ به بررسی کتاب مقدس مایاهای کهن، پوپول وو^۴ پرداخت و همراه با گونزالز د مندوزا^۵ آن را به اسپانیایی ترجمه کرد. از ۱۹۲۴ تا ۱۹۳۳ مقالات بسیاری در زمینه‌ی ادبیات و سیاست نوشت. نیز داستان‌ها و مقالاتی که بیش‌ترشان در مجله‌ی ال ایمپارسیال^۶ انتشار یافت. این نوشته‌ها بعدها در کتاب داستان‌ها و قصه‌های جوانی (۱۹۷۰) جمع‌آوری و چاپ شد. وقتی به گواتمالا بازگشت، خوان خوسه آربالو^۷ رئیس‌جمهور بود و آستوریاس سفیر گواتمالا در مکزیک (۱۹۴۶-۱۹۴۷) و بعد آرژانتین (۱۹۴۸) شد و در ۱۹۵۰ نیز

1. Ciudad-Guatemala

2. Manuel Estrada Cabrera (۱۸۵۷-۱۹۲۴)؛ رئیس‌جمهور گواتمالا از ۱۸۹۸ تا ۱۹۲۰.

3. George Raynaud 4. Popol Vuh 5. Gonzalez de Mendoza 6. El Imparcial
7. Juan José Arevalo (۱۹۹۰-۵)؛ اولین رئیس‌جمهور مردمی گواتمالا.

در همین کشور به مقام وزارت مشاور در امور فرهنگی رسید. در ۱۹۵۳ با همین سمت به پاریس رفت و سه سال بعد سفیر گواتمالا در سان سالوادور شد. در ۱۹۵۴، بعد از سقوط حکومت پیشرو آرنز، دوباره راه تبعید را در پیش گرفت. حتی از حقوق مدنی نیز محروم شد. سال‌های درازی را در پاریس و ایتالیا (جنوا) به روزنامه‌نگاری گذراند. اما آوازه‌ی روزافزون آثارش چنان بود که در ۱۹۶۶ توانست به کشورش بازگردد و با سمت سفیر رهسپار پاریس شود. در ۱۹۶۷ جایزه‌ی نوبل نصیبش شد و آوازه‌ی جهانگیری یافت. میگل آنخل آستوریاس شاعری خوش ذوق و داستان‌سرایی تواناست، اما بیش‌تر او را به نام داستان‌نویس می‌شناسند. بی‌شک شکوفایی ادبیات امریکای لاتین با او آغاز می‌شود، ادبیاتی که آینده‌ی واقعیت فرهنگی امریکای لاتین به شمار می‌رود، اما چنان گرانمایه است که این بزرگ ادبیات گذشته و حال جهان برابری می‌کند. نوع ادبی indigénisme، یعنی رصیفه طر حوار جلوه‌های ظاهری زندگی هندی‌شمر دگان و دورگه‌های امریکای لاتین، او را آوازه‌ی همیشه منسوخ شد. غول‌های بزرگ دیگری همچون آلخو کارپنیه، گرسا مارکز، خوان رولفو، روآ باستوس، خوسه ماریا آرگداس و ماریو بارگاس یوسا پیشرفت نافذ و قاطع رمان را قوت بخشیده و استوار کردند. در ۱۹۴۶، بعد از نوشتن افسانه‌های گواتمالا (که محصول بازآفرینی غنایی سنت‌های مملکتش بود)، اولین شاهکارش، آقای رئیس‌جمهور را انتشار داد، داستان فرمانروایی خودکامه و خیالی که البته بازداشتن خصوصیات استرادا کابیر را در آن دشوار نیست. فضای این داستان اختناق‌آور، فزاینده و نیز آراسته به طنزی سیاه است. این فرمانروا در سراسر کتاب تقریباً هیچ جا حاضر نیست، اما سایه‌اش بر کار و بار همه‌ی شخصیت‌های کتاب سنگینی می‌کند. عظمت آستوریاس در توصیف این جهانِ مقهور دیکتاتور ناپدیدار با شکسپیر پهلوی می‌زند. او تمام روش‌های داستان‌نویسان امروزی، از قبیل تک‌گویی درونی و وصف ضمیر خودآگاه و ناخودآگاه، را چنان شاعرانه و قدرتمندانه به کار می‌گیرد که گاه با تصویر جهان فاسد و خونین و جنون‌آمیزی که وصف می‌کند در تضاد

است، چنان‌که گفته‌اند این داستان‌سرای گواتمالایی به نفوذگفتار سحر آمیزی که در متون کهن مایایی از آن یاد شده دست یافته است.

سه گانه‌ی تندباد (۱۹۴۹)، پاپ سبز (۱۹۵۴) و چشم انتظار در خاک رفتگان (۱۹۶۰) از همین گونه‌اند، شرح ماجراهایی که اندکی پیش از داستان آقای رئیس جمهور روی داده‌اند. اثر دیگرش، انسان ذرت (۱۹۴۹)، وصف مبارزات هندی‌شمر دگان است علیه سفیدپوستان و دورگه‌ها. این ذرتیان ذرت را فقط به قصد تغذیه می‌کارند و حرمتشان به آن رنگ مذهبی دارد، حال آن‌که سفیدان و دورگه‌ها به قصد تجارت به کشت آن می‌پردازند.

استوریاس عناصر افسانه‌ای و خیالی فرهنگ هندی‌شمر دگان را به داستان‌های خود وارد می‌کند تا پیش آن‌ها در باب زندگی را نشان دهد. سه گانه‌ی یادشده، چنان‌که به اداه به ذکر مختصر آن‌ها می‌پردازیم، شرح مبارزات روستاییان است علیه موزپروان. مردم آمریکایی که آنان را از خاک پدران خود رانده و زمین‌هایشان را تصاحب کرده‌اند. این روستاییان، که ابتدا ظلم توانگران را بر خود روا داشته‌اند، عاقبت سازمان می‌یابند و سیاست‌انانیش می‌شوند و علیه سرکوبگران خود سر به شورش برمی‌دارند. در این جا به استوریاس اشکارا سیاسی می‌شود. کتاب او اعتراضی کوبنده است علیه حکومت خردکامه‌ی خورخه اوبیکو^۱ و شرکت‌های موزفروش آمریکایی مثل یونایتد فروت که می‌خواهند سرزمین او را به یک جمهوری موزمدار بدل کنند. این آمیزه‌ی اقتصاد، اجتماع و سیاسی و عناصر فرهنگ بومی چیزی را پدید می‌آورد که «رنالسم جادویی»^۲ آمریکای لاتین نام گرفته است و استوریاس و گارسیا مارکز بهترین نمایندگان آن هستند.

اولین کتاب این سه گانه تندباد^۳ نام دارد. قهرمان کتاب، که با نام موسی و لستر مید و لستر استونر در کتاب ظاهر می‌شود، سهامدار بزرگ و ثروتمند شرکت تراپیکال بنانا است که وظیفه‌ی دفاع از خرده مالکان بی چیز کشور علیه پاپ سبز را به عهده می‌گیرد. پاپ سبز یا مدیر عامل خودکامه‌ی شرکت یونایتد فروت، که با دیکتاتور حاکم بر کشور همداستان شده است، خرده مالکان را از خاک پدرانشان

1. Jorge Ubico (۱۸۷۸-۱۹۴۶)؛ دیکتاتور گواتمالایی.

می‌راند و در زمین‌های آن‌ها کشتزارهای عظیمی احداث می‌کند. لستر مید و همسرش، لیلاند فاستر، در کولاک هولناکی که کشتزارهای موز را در هم می‌کوبد هلاک می‌شوند، اما سرانجام دعوایی که او علیه پاپ سبز اقامه کرده با پیروزی وی و همراهانش به پایان می‌رسد.

مبارزه میان مید و شرکت یونایتد فروت استخوان‌بندی کتاب را شکل می‌دهد. استوریاس خود این کتاب را «اپرایی گرمسیری» خوانده که دشت ساحل اقیانوس آرام صحنه‌ی عظیم آن است. وی در این کتاب هوای سوزان و سنگین و خفه‌کننده‌ی منطقه و فلاکت کشاورزان گرسنه‌ی بومی را با قلمی توانا و جاندار و شاعرانه وصف کرده است. در این صحنه، مردان آمریکایی در سالن‌های خنک و راحت خود با ویلکی و برگر وقت می‌گذرانند و زنان‌شان با ماجراهای عاشقانه‌ی کثیف و حقیر سرگرمند. میان آن‌ها مالاریا کلنجر می‌روند و مثل حیوان جان می‌کنند و دستمزد ناچیز برای رف عیاشی با فواحش و سوزاندن اندرون خود با تکیلا می‌کنند. قندباد اثری قدیم و - سورانه است.

شخصیت اصلی داستان، تامسون، پسر یک مردی خودساخته است. جورج میکر تامسون ابتدا قاچاقچی گمنامی است، اما عاقبت مالک و مدیرعامل یکی از بزرگ‌ترین تراست‌های میوه می‌شود. آوازی قهارش تا دل آمریکا می‌رسد. تامسون مردی است غول‌پیکر و زیبارو و پشاه که هیچ قید اخلاقی‌ای آزادی اعمالش را محدود نمی‌کند. یک بار در زندگی‌اش اندکی از راه پول و قدرت منحرف می‌شود و به مایاری، دختر زیبای بومی، دل می‌بازد. اما مایاری، که نمی‌تواند ظلم این جبار خونخوار را بر هم‌میهنان خود تحمیل کند، دست به خودکشی می‌زند. پس از مرگ مایاری، جورج میکر تامسون با مادرش و فلورای قدرت‌طلب، ازدواج می‌کند. میکر تامسون به سرعت از پله‌های قدرت و ثروت بالا می‌رود و اعتراض‌ها و ملامت‌های وجدانش را خفه می‌کند و حتی فرستاده‌ی شرکت را که می‌خواهد از سیاهکاری‌های او پرده بردارد، در حادثه‌ای که خود به‌دقت آن را طراحی کرده است، از میان برمی‌دارد. اما این جنایت ثمره‌ی شومی برایش به بار می‌آورد، زیرا فرستاده‌ی شرکت خود بلاگردان شخص دیگری است به نام ریچارد وتون، مردی که خود را به نام ری سالسندو به او معرفی می‌کند و

دخترش آئورلیا را از راه به در می برد و چون دختر از او باردار می شود، رهایش می کند. دختر برای به فراموشی سپردن این ناکامی به میگزساری پناه می برد و میکر تامسون فرزند او را بزرگ می کند. در واقع می توان گفت پاپ سبز اثری است در توصیف احوالات روانی قهرمانان خود. چهره ی جورج میکر تامسون در این کتاب عظمتی حماسی می یابد، تصویری به یادماندنی با ارزشی نمادین، نماد کشاورزی درگیر با نیروی کار انسانی و امکانات اقتصادی زمینی که خود غصب کرده و از آن بهره می کشد. وصف عشق جورج به مایاری شعری است بسیار زیبا که شاعر آن به موق خود عشق می ورزد و از طریق او مهر خود را به بومیان هندی شمرده ی کثرتش و فرهنگ آن ها نمایان می سازد. مضمون دردناک قدرت آلاینده ی پول پیوسته در این شرح مطرح می شود. برخی آلودگی آن را می پذیرند و بعضی رد می کنند. انکار این قدرت یا به شکل طغیانی ظاهر می شود که به سرعت و با خشونت سرکوب می شود یا در قالب مرگی که آدمی به طیب خاطر آن را می پذیرد. مضمون دیگر استعاره انسان است به دست انسان، استثمار انسان راستین به دست انسان مجهز به ماشین و سرمایه دار. بهره جو، انسانی که انسان را انکار می کند.

کتاب سوم، چشم انتظار سرخ کاران، داستانی است در شرح یک خیزش مردمی، داستانی مبتنی بر نظریه ای سیاسی، رمانی اجتماعی که شگردهای سوررئالیستی نویسنده گاه آن را مبهم و حتی اندک ملال آور می کند. رنگ ها، حرکت ها، اسم صوت ها، ریتم ها و آفرینش های کاملاً منض به پیدایش نوعی فرهنگ لغت خاص آستوریاس می انجامد که گواهی است بر تسلط کامل او به زبان و منابعش.